

دبیر سرویس	معاون سردبیر	سردبیر	مدیر مسئول

۱۴ شنبه ۳۰ دی ۱۳۸۵ - ۳۰ ذیحجه ۱۴۲۷ - ۲۰ ژانویه ۲۰۰۷ - سال پانزدهم - شماره ۴۱۸۷

تجربه خصوصی‌سازی در لهستان در گفت‌وگو با معاون نخست وزیر و وزیر پیشین اقتصاد این کشور

اموال عمومی را نباید ارزان فروخت



از ۱۲۵ کشور جهان سفر کرده است، پروفیسور کولوډکو چندی پیش سفری به ایران داشت. وی در جریان این سفر ضمن بازدید از تحریریه روزنامه هفت‌شنبه در گفت‌وگویی با گروه اقتصادی شرکت کرد و به تبیین تجربیات کشورهای اروپای شرقی و لهستان در خصوص‌سازی پرداخت.

معنای ایجاد فرصت‌های اقتصادی نیست. در برخی کشورهای اروپای شرقی این مسئله رخ داد. مثل روسیه در دوران یلتسن. البته فروش دارایی‌های دولت برای افزایش درآمد و جبران کسری بودجه نیست. فروش دارایی‌های دولتی برای ایجاد تعادل میان درآمد و هزینه‌های بودجه سالانه نباید انجام شود. عرضه دارایی‌های دولت برای تأثیر بر اقتصاد کلان و افزایش رقابت و توسعه بازار

باهداف افزایش بهره‌وری و کارآمدی بنگاه‌های اقتصادی انجام می‌شود. بنابراین خصوصی‌سازی موفق به معنای مشاهده آثار بهبودمدیریت در نظام دولتی و اداره مؤسسه‌های اقتصادی و افزایش دارایی عمومی از این روند است. هرچه این روند شفاف‌تر باشد موفق‌تر و کارآمدتر است. توصیه من به همه این است کار خصوصی‌سازی باید روشن و شفاف انجام شود تا این اهداف تحقق یابد. امروز ما از امکانات اطلاع‌رسانی وسیع و گسترده‌مثل اینترنت برخوردار هستیم واین فرصت‌های خوبی در اختیار دست‌اندرکاران خصوصی‌سازی است. در جریان روند خصوصی‌سازی یک مسئله مهم دیگر این است که باید توجه کرد که خصوصی شدن بنگاه‌ها هدف نیست بلکه یک ابزار است. با خصوصی شدن وظیفه دولت به پایان نمی‌رسد، بلکه باید توجه کرد که این روند به رشد اقتصاد کلان و توسعه و رشد بخش خصوصی و بازار منجر شود. خصوصی‌سازی باید به رشد روند بازار و کارآمدی بانکداری و سرمایه‌گذاری منجر شود.

• یک روش خصوصی‌سازی که در برخی کشورهای اروپای شرقی نیز مرسوم بوده و در ایران نیز با عنوان سهام عدالت مورد توجه قرار گرفته است، واگذاری وسیع سهام شرکت‌های دولتی به مردم است. تجربه کشورهای اروپای شرقی و به‌طور خاص لهستان در این زمینه چگونه قابل تحلیل است؟

- سیاست‌های متفاوتی در خصوصی‌سازی کشورهای مرکزی اروپای شرقی به‌کار گرفته شد و تجربیات متفاوتی در این زمینه وجود دارد. در برخی کشورهای اروپای شرقی به عمومی‌سازی دارایی‌های دولتی روی آوردند. زمانی که دولت مالک دارایی‌هاست این دارایی‌ها ملی است. این سیاست از این ایدئولوژی سرچشمه می‌گیرد که وقتی دارایی دولت عمومی می‌شود گروه زیادی از مردم مالک سهام و مالک مشاع این دارایی‌ها می‌شوند. برای مثال در ایران اگر صنعت نفت را عمومی کنید نزدیک هفتاد میلیون نفر باقوه سهام‌دار می‌شوند. این

• مسایل و تحولات اقتصاد کشورهای اروپای شرقی تا حدی شبیه به اقتصاد کشورهای در حال توسعه در آسیا است. با توجه به این که شما در زمینه اقتصاد کشورهای اروپای شرقی و مسایل جهانی شدن تجربه دارید، توان رقابتی این کشورها را در اقتصاد جهانی در چه سطحی می‌بینید؟

- توان رقابتی کشورهای مرکزی اروپای شرقی با سیاست‌های اقتصاد بازار در حال رشد است و این ناشی از کنار گذاشتن اقتصاد کمونیستی و برنامهریزی متمرکز در این کشورهاست. شکی نیست، پیوستن این کشورها به اتحادیه اروپا نیز در این امر مؤثر بوده‌است. امروز متوسط رشد اقتصادی این کشورها از کشورهای اتحادیه اروپا بالاتر است.رشد ساختارهای اقتصاد بازار این تحول را ممکن کرده است و دلیل آن تقویت نهادهای اقتصاد بازار در این کشورها از جمله لهستان است. در لهستان سوسیالیست، موثر حرکت اقتصاد نظام بوروکراتیک دولتی بود، ولی امروز عامل حرکت اقتصاد بخش خصوصی است. هسته اصلی امروز اقتصاد ما بخش خصوصی با اتکا به اقتصاد بازار است که با آزادسازی و مقررات‌زایی محقق شده‌است. کشورهای اروپای شرقی جهانی شدن را به عنوان یک فرصت مورد توجه قرار دادند. جهانی شدن هم‌زمان یک فرصت و یک تهدید است که با بهره‌برداری درست از آن می‌توان فرصت‌ها را حداکثر و تهدید را به حداقل رساند. ما بدست‌آوردهای اقتصاد داخلی و آزادسازی و مقررات‌زایی از این فرصت حداکثر بهره‌برداری را کردیم.

• عضویت برخی از کشورهای اروپای شرقی در اتحادیه اروپایی چه کمکی به روند تحولات اقتصاد بازار در این کشورها کرده و می‌کند؟

- همه کشورهای مرکزی اروپایی شرقی امروز به اتحادیه اروپا پیوسته و این روند در یک فرایند تدریجی رخ داد. امروز این کشورها با ۱۲۰ میلیون نفر جمعیت به این اتحادیه پیوسته‌اند. متوسط تولید ناخالص داخلی این ده کشور کمتر از نصف ۱۵ کشور اتحادیه اروپا است ولی رشد اقتصادی آنان ۲/۵ برابر آنان است. این امر در سالهای اخیر رخ داده است ولی در دهه نود و پس از حکومت کمونیستی و در دوران گذار رشد اقتصادی بسیار کند رشد می‌کرد. در برخی کشورها مشکلات فراوان و کاهش رشد اقتصادی نیز رخ داد که در برخی مناطق تا بیست درصد کاهش نیز می‌رسید. ولی این بیشتر به دلیل اصلاحاتی بود که در ساختار قبلی دولت و اقتصاد رخ داده بود. این امر ناتوانی‌های خاصی ایجاد کرده بود که در لهستان کمتر بود ولی در مجارستان و اسلواونی این آثار شدیدتر بود. ولی این امر اجتناب‌ناپذیر بود و باید بیشتر کار می‌شد و تلاش بیشتری انجام می‌گرفت که در برخی کشورها سالها به‌طول انجامید. این روشن است ده کشوری که به اتحادیه اروپا پیوستند کار بزرگی انجام دادند و با شرایط اقتصاد بازار و چارچوب‌های اقتصاد امروز هماهنگ شدند. بازار این کشورها بزرگتر و با شرایط بازارهای جهانی هماهنگ شد. با مقررات و اصلاحات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی محقق شد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها پول و سرمایه را برای اقتصاد این کشورها ارمان نیآورد بلکه آموزش‌های جدید، تکنولوژی بسلاا و توانایی‌های مدیریتی و بازاریابی را افزایش داد.

• در مورد خاص لهستان این شرایط چگونه بروز پیدا کرد؟
- این شرایط پیش گفته‌بایج‌های پیوستن لهستان به اتحادیه اروپا همراه بود و در این مورد تلاش بسیاری صورت گرفت. در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ هنگامی که من برای دومین بار در دولت مشارکت داشتم به عنوان معاون نخست وزیر و وزیر اقتصاد در فرایند مذاکرات تلاش بسیاری به خرج دادم تا در این زمینه با موفقیت روبه‌رو شومیم که البته

فرایندی موفقیت‌آمیز بود و توانستیم در این زمینه گام‌های بلندی بردن پیوستن به اقتصاد جهانی به‌ویژه در زمینه اقتصاد و سرمایه‌گذاری برداریم. در این مسیر آنچه اهمیت داشت و به ما کمک کرد رشد و گسترش بخش خصوصی در اقتصاد لهستان بود که توانست به روند پیوستن به اقتصاد جهانی کمک کند. عضویت در اتحادیه اروپا برای برخی کشورهای منطقه بهبود اوضاع به‌وجود آورد و برخی را در شرایط دشواری قرار داد. این امر به تلاش‌ها برای اصلاح و سیاست‌گذاری‌های آنها بستگی داشت. برخی کشورها آمادگی بیشتری داشتند و شرایط به نفع آنها بود و برخی با مشکلاتی روبه‌رو شدند که به سیاست‌های غلط آنان بستگی داشت.

• با ایسن تفاسیر موفقیت خصوصی‌سازی در لهستان و شاخص‌های آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- سؤال خوبی است و پاسخ‌های متعددی دارد که بستگی به پاسخ‌دهنده دارد. شما از من سؤال می‌کنید و من از دیدگاه خود به آن پاسخ می‌دهم. جریان خصوصی‌سازی در لهستان یک روند موفق داشت. البته در آغاز کار ما با مشکلاتی مثل فقدان توان مدیریتی در فرایند خصوصی‌سازی مواجه بودیم. حدود هفده، هجده‌سال پیش این سؤال مطرح بود که چه چیزهایی باید خصوصی شود و چه بخش‌هایی استراتژیک است و باید در اختیار دولت بماند.

• این سؤال اساسی خصوصی‌سازی است که امروز در اقتصاد بسیاری کشورها از جمله ایران نیز مطرح است، چه بخش‌هایی در مرحله نخست باید واگذار شسوند و چگونه؟ چه هزینه‌هایی باید پرداخت شود و تا چه میزان؟ این شامل چه بخش‌هایی شود آیا بخش انرژی را باید واگذار کرد و یا بانک‌ها و بیمه‌ها را و غیره؟ با چه سرعتی و تا کجا باید خصوصی‌سازی ادامه یابد؟ لهستان این فرایندها را چگونه تجربه کرد؟

-مشکل اصلی این است که کار باچه سرعتی عملی شود.برخی به

اقتصاد

اهلمشبهاری

سیاستی است که در پس خصوصی‌سازی در برخی کشورها اعمال شده‌است و بزرگترین و وسیع‌ترین موارد آن در روسیه دوران یلتسین و جمهوری چک رخ داد. ما چنین روشی را در فرایند خصوصی‌سازی لهستان به‌کار نگر فتم. واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به مردم به‌صورت رایگان و یا در مقابل مبلغ اندک، خصوصی‌سازی نیست. این یک تغییر شکل در مالکیت‌است و به تغییر مالکیت دارایی‌های دولتی منجر می‌شود و هیچ تأثیری در بهبود و ارتقای مدیریت و بازار سرمایه ندارد. این روش خصوصی‌سازی به توسعه نظام بازار منجر نمی‌شود و بانکداری و سرمایه‌گذاری را تقویت نمی‌کند. توزیع سهام به‌صورت مجانی میان مردم به رشد بنگاه‌ها منجر نمی‌شود.در روسیه کارگران سهام شرکت‌های دولتی را دریافت می‌کردند و در مقابل مبلغ اندکی می‌فروختند اما تغییر مهمی در زندگی آنان رخ نمی‌داد و معلوم نیست سرنوشت این دارایی‌ها چه شد. ما در لهستان در اواخر دهه نود شاید تعداد زیادی سهامدار داشتیم و تعداد آنها از تعداد سهامداران در اتریش بیشتر بود و بااین میزان در روسیه از آمریکا بیشتر بود. ولی این چه تأثیری در اقتصاد کلان دارد؟ این به معنای رشد بازار سرمایه و بازار آزاد نیست. این روش در هیچ کشور سابق کمونیستی حاصلی نداشت و بیشتر اهداف ایدئولوژیکی داشت تااهداف اقتصادی.

• تجربه لهستان در این زمینه چگونه بود؟

- ما در لهستان یک اقدام شبیه در این سطح انجام دادیم ولی متفاوت از ایسن روش. در این روش ما همه دارایی‌های دولتی را در این روش به عمومی‌سازی اختصاص ندادیم. تنها ده درصد از سهام دارایی‌های دولتی را که همچنان در مالکیت دولت بود و شامل ۵۲۰ شرکت بخش‌های مختلف بود در یک سید قرار دادیم و بین شرکت‌های سرمایه‌گذاری تقسیم کردیم که به تأیید مؤسسه ناظر بازار سرمایه رسیده بود. این شرکت‌ها سهام را به‌صورت آزاد در مراکز پستی و بانک‌ها به ارزش اسمی معادل ۷دلار که پنج درصد حداقل حقوق ماهانه در آن زمان بود عرضه کردند. روشی بود که در چارچوب سیاست عمومی‌سازی دارایی‌های دولتی در لهستان به‌کار رفت. در این اقدام بیش از چند میلیون نفر به بانک‌ها و مراکز پستی مراجعه کردند و برگه‌هایی را خریدند که آنان را در سهام این شرکت‌ها سهیم می‌کرد. این برگه‌ها در بازار سهام قابل فروش بود و ارزش بیشتری از قیمت عرضه شده داشت. از این مطالب نتیجه می‌گیرم که شما منابعی دارید که ارزشش دارد و این ارزش را بازار تعیین می‌کند. شما باید دارایی خود را در مدت مشخص و مناسب به بهترین قیمت در بازار بفروشید. یک سرمایه‌گذار و مدیر توانا مخاطرات این سرمایه‌گذاری را می‌پذیرد. اگر ورشکست شد از جیب دولت و مالیات‌دهندگان چیزی هزینه نمی‌شود. اگر می‌خواهید کاری برای اقشار فقیر انجام دهید از محل درآمدهای خصوصی‌سازی برای آنان هزینه کنید و خدمات اجتماعی را گسترش دهید. هرچه خصوصی‌سازی گسترش می‌یابد و دارایی‌ها افزایش می‌یابد سرمایه بیشتر برای مبارزه با فقر و بیکاری فراهم می‌شود. بنابراین اگر سیاست‌های حمایت از اقشار خاصی در برنامه‌های ما هست نباید آنان را در دارایی‌های دولت شریک کنیم بلکه باید برای آنان امکانات آموزشی و تغذیه بهتر را فراهم کنیم.

مدیر مسئول	سر دبیر	معاون سردبیر	دبیر سرویس



تجربه خصوصی سازی در لهستان در گفت‌وگو با معاون نخست وزیر و وزیر پیشین اقتصاد این کشور

اموال عمومی را نباید ارزان فروخت

صفحه ۱۴

ترجمه: محمد علی توحید

تلفن‌های تحریریه همشهری			
سیاسی داخلی	۰۲۳ ۲۳۳۱۵	فرهنگی	۰۲۳ ۲۳۳۲۶
سیاسی خارجی	۰۲۳ ۲۳۳۰۶	ادبی‌هنری	۰۲۳ ۲۳۳۴۲
اقتصادی	۰۲۳ ۲۳۳۱۲	دریافت نظر خوانندگان	۰۲۳ ۲۳۳۳۶
دبیر صفحات داخلی	۰۲۳۰۲۳۳۳۰		

جدول کلمات متقاطع

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

حل جدول شماره ۴۱۸۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
م	ع		ت	و	ا	ط	ا	ا	ا	م	ا	ع	ا	ع	۱
ن	م	ا	ن	ه	ن	خ	ی	م	ا	م	ا	ن	ا	ن	۲
م	ا	ا	ا	ا	ا	د	م	ا	ا	ا	م	ا	ا	ر	۳
ا	ن	ع	م	ظ	ن	ع	ع	ع	و	ع	ب	ع	و	ی	۴
ه	ر	ا	ر	ا	د	ا	ا	د	ا	م	ن	ر	ر	ع	۵
ع	ن	ی	ا	ا	ا	م	ا	ا	ر	ا	ا	ا	ا	د	۶
ه	ا	ر	و	ر	د	ر	ا	ر	ا	ا	ا	ر	ا	ا	۷
م	ر	ن	ت	ت	ر	ب	ت	م	ا	و	ن	ک			۸
ک	ا	ز	ا	ا	ا	ر	ا	ا	د	ا	ا	ا	ا	ا	۹
ا	ت	ا	ا	ا	ا	ن	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	۱۰
ر	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	۱۱
م	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	۱۲
م	ت	م	ا	ا	ا	ت	و	ر	ق	ر	ا	ر	ا	ع	۱۳
ی	ا	ا	ر	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	۱۴
د	ا	ر	ع	ا	ر	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	۱۵

۸- سنگ سبز قیمتی -کنیه امام عصر(عج) - به بستنی زند.

۹-قهوه‌خانه فرنگی -سست‌بنیه بودن و وضعیفی -تکرار

حرف آخر

۱۰- ربودن پول مردم از جیب آنها با دست‌ی -تخمین وسنجش

۱۱- هر جانور ششپه مار- شگون و بخت -آخرین نازی- ترکیب آلی مورد استفاده در کودهای شیمیایی

۱۲- واحدی در سطح- چشمک‌زن آسمان - ماهه حیات- زادگاه حضرت ابراهیم(ع)

۱۳- از آوازهای ایرانی - مبارک و فرخنده- نور اندک که از دور دیده شود

۱۴- فهمیدن و درک کردن- میوه نارس- فصل برگ‌ریزان

۱۵- تنبل و کاهل - خوابیدن- بازدارنده و نهی کننده

افقی:

۱- از تاریخ‌نگاران برجسته تشیع و مولف و محقق و مدرس توانایی که به تازگی در گذشته است و اثر مشهور او درباره تاریخ انقلاب «نهضت سه‌ماهه روحانیت» نام دارد- اشنایای بی‌جان و بی حرکت

۲- ظرف‌ها و آونداها- اصرارکردن

۳- قرقره‌کوچک چرخ خیاطسی- تربیت‌کننده-

دیواربلند

۴- حرارت و گرمی- امت‌ها- تیرپیکانسدار- سیاستمدار

۵- سازمان مخوف امنیتی عراق درسابق -ویتامین انعقاد خون

۶- دزدیدن و سرقت- کبوتر چاهی

۷- جاده قطار- از پسران حضرت آدم- پول هخامنشیان

۸- مالک و دارنده- تابیده شده از طلا- حرف اشاره تاکیدی

۹- جانشین و وصی- نیمه روز و شدت گرما را گویند-

پنخش و پلا

۱۰- دارویی معطر که به میت‌زند- بیلاق تهران

۱۱- سسلی و تپانچه- اثری از «هروه بازن» نویسنده فرانسوی قرن بیست

۱۲- مخلوقات و آفریده شندگان- عرب می گوید:

بگو- چین و چروک پوست- جدرستم

۱۳- از ضمائر لاتین- بدگمان و کینه‌جو- چندین دیوان شعر

۱۴- ملیت «مارکو پولو» جهانگرد شهیر- کشوری با پایتختی مسکو

۱۵- تخته‌های ضخیم زیر ریل‌های راه‌آهن- کنایه از بدبختی و بداقبالی

عمودی:

۱- قصدکننده- لک و بیس- کشورها و سرزمین‌ها

۲- ملامت‌کنندگی- سخنان بیمارگونه- روشن کردن

۳- قانون مغولی- اصرار و پافشاری‌کردن- نام پسرانه آذری

۴- نزدیک شدن - حرف نازی- از برنج‌های مرغوب کشورمان- ضمیر غایب

۵- منظم و ویرایش‌شده- خیط‌شده- نخست‌وزیر انگلستان

۶- هم‌سطح و اندازه- قوسی شکل است و از برآمدگی‌های درون غارها

۷- منقار کوتاه- ابلاغ‌خبر با تلفن یا تلگراف- بلندترین شب سال

نگاه امروز

اصلاحات در اروپای شرقی

دکتر علیرضا سلطانی

خصوصی سازی در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی از جنبه‌های مختلف منحصر به فرد به نظر می‌رسد. کمیت دارایی‌هایی که در همه بخش‌های اقتصادی، مالکیت آن از دولت به بخش خصوصی تغییر یافت وسیع و گسترده بود. علاوه بر این سرعت اصلاحات و آزادسازی اقتصادی به ویژه در کشورهای پیشرو نظیر مجارستان و لهستان در مقایسه با عملکرد بسیاری از کشورها در این مقطع زمانی کم نظیر است. اما فرایند و ماهیت خصوصی‌سازی در این کشورها نیز از این جهت که در شرایط متغیر و دینامیکی صورت گرفت ، منحصر به فرد است. خصوصی‌سازی در کشورهای اروپای غربی به نوعی با شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قانونی آنها در یک پروسه زمانی تقریباً طولانی تعریف می‌شود. اما در اروپای شرقی و مرکزی این شرایط اجتماعی و به عبارتی بنیادی وجود نداشت؛ قوانین و نهادهای حامل و پشتیبان خصوصی سازی در یک شرایط الزام و اضطرار به وجود آمدند، بازار سرمایه قدرتمندی وجود نداشت، سطح تقاضای عمومی برای خرید دارایی‌ها ضعیف بود، حمایت سیاسی از خصوصی سازی و مالکیت خصوصی از کشوری به کشور دیگر و حتی در مقاطع زمانی مختلف متغیر بود، رکود اقتصادی و هزینه‌های اجتماعی آن دور از انتظار بود، مخالفت‌های سازمان یافته از سوی نهادهای قدرت برجای مانده از گذشته بسا اقتصاد بازار وجود داشت و مهارت‌های لازم برای اجرای سیاست‌های خصوصی سازی وجود نداشت.

این شرایط منجر به تجربه شیوه‌های متنوع خصوصی سازی در کشورهای اروپای شرقی شد و دستاوردهای مختلفی نیز به همراه آورد.

اما علی‌رغم همه شرایط فوق، خصوصی سازی در اروپای شرقی و مرکزی همراه با محرک‌های قوی بود. اراده قدرتمند نخبگان سیاسی جدید برای اجرای اصلاحات و خصوصی سازی ، حمایت‌های گسترده مردمی از تغییرات که سابقه آن در برخی از کشورها نظیر مجارستان و لهستان به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گشت، الزامات ساختار اقتصادی و صنعتی و ضرورت اجرای اصلاحات برای خروج از رکودهای طولانی ، حمایت‌های سیاسی و اقتصادی خارجی به ویژه از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی و ایالات متحده و کمک به نهادینه کردن اقتصاد بازار آزاد و تلاش در جهت بروز سریع نتایج اصلاحات در زندگی عمومی مردم و نهایتاً فراهم ساختن عضویت نسبتاً آسان کشورهای اروپای شرقی در اتحادیه اروپایی که همراه با هزینه‌ها و در عین حال امتیازاتی بوده است، از جمله محرک‌ها خصوصی سازی در منطقه به شمار می‌رود.

این شرایط، به گونه‌ای است که امکان الگوبرداری برای دیگر کشورها را سخت می‌کند، اما برخی تجارب این کشورها به ویژه تجربه ناموفق عمومی سازی سهام شرکت‌های دولتی که توام با هزینه‌های اقتصادی و کند شدن این روند بود می‌تواند عبرت‌آموز باشد.